

بررسی نقش جنسیت در تفاوت های تشریحی با ابتناء بر تفاوت های تکوینی

اعظم وفایی

چکیده

بررسی تفاوت های زن و مرد در بعد تکوین و تشریح، از جمله مباحث مهم در عرصه مطالعات زنان و خانواده است که دیگر ساحت های زندگی اجتماعی را نیز از خود متأثر می نماید و بی شک توجه به حقوق طبیعی و تکوینی انسانهاست که زیر بنای وضع قوانین الهی و بشری قرار می گیرد. نوشتار حاضر با هدف تبیین نمودن علت برخی تفاوت های تکوینی و تشریحی، در صدد است با بهره گیری از منابع تفسیری، فقهی به بررسی این موضوع بپردازد. به نظر می رسد، تفاوت های تشریحی زن و مرد که در شرع مقدس اسلام لحاظ شده، به تفاوت خلقت و طبیعت آنها با یکدیگر باز می گردد و بی شک این تفاوتها از سوی آفریدگار حکیمی قرار داده شده که بر اساس علم، عدل و حکمت انسان ها را آفریده و با نظر گرفتن استعداد و توانمندی هر یک، آنها را مکلف به تکالیفی نموده است. بنابراین وجود این تفاوتها در راستای جذب و انجذاب بیشتر انسان ها و به منظور دستیابی به هدف نهایی از خلقت انسان است.

کلید واژه ها: جنسیت، تفاوت، تکوین، تشریح، ضرب.

مقدمه

مسأله تفاوت های تکوینی و تشریحی زن و مرد از جمله موضوعاتی است که هم در قرآن کریم مورد توجه قرار گرفته و هم در احادیث و سخنان پیامبر و ائمه معصومین بدان پرداخته شده است. قبل از تبیین و بررسی این بحث، ضروری است به تبیین مفهومی برخی از مفاهیم پرداخته شود. مفهوم شناسی

واژه «تفاوت» به معنای «از هم جدا و دور شدن دو چیز» و نیز، «اختلاف داشتن و موافق نبودن و فرق داشتن» [دهخدا، 1377، ج 5، ص 6841].

«تکوین» از «کون» به معنای: «شدن و بودن» و «هست کردن» است و در اصطلاح به معنای «آفریدن خدای تعالی موجودات را» [دهخدا، همان، ج 5، ص 6918]. «تشریح» به معنای: «بیان کردن راه» در عرف فقیهان و حقوقدانان به معنای: «قانون نهادن، وضع قانون و قانون گذاری» [دهخدا، همان، ج 5، ص 6750]. می آید.

در یک جمع بندی کلی می توان گفت منظور از تفاوت های تکوینی زن و مرد، «فرق هایی است که زن و مرد در بعد جسمی و روحی - روانی بایکدیگر دارند و منشأ این تفاوتها امر تکوینی و خلقت آنان است که توسط قادر متعال به جهت مصالحی در آنان، قرار داده شده است». اما منظور از تفاوت های تشریحی، «تفاوت هایی است که در احکام و قوانین موضوعه از ناحیه شارع مقدس، بین زن و مرد قرار داده که از جهت عمل به برخی تکالیف و یا تخفیف برای آنها با یکدیگر متفاوتند».

اشتراکات تکوینی زن و مرد

زن و مرد، علیرغم تفاوت های متعدد، دارای مشترکاتی هستند و از آنجا که بررسی تفاوت های آنان بدون در نظر گرفتن، اشتراکات، تبیین کاملی از موضوع به دست نمی دهد، در ابتدا به طور مختصر به بررسی برخی اشتراکات تکوینی زن و مرد در سه محور پرداخته می شود.

1. اشتراک زن و مرد در انسانیت

قرآن کریم زن و مرد را از حیث ماهیت و سرشت انسانی یکسان می داند. این اشتراک از آیات متعددی نظیر [اعراف/189؛ روم/21؛ زمر/6؛ نحل/72] قابل استنباط است که به عنوان نمونه می توان به آیه شریفه: «يا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَ خَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَ بَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَ نِسَاءً» [نساء/1] «ای مردم از پروردگارتان بپرهیزید که همه شما را از یک انسان آفرید، و همسر او را [نیز] از جنس او آفرید، و از آن دو، مردان و زنان فراوانی [در روی زمین] منتشر ساخت». اشاره نمود. اگر چه در این آیات تعبیر «خلق منها زوجها» و یا «جعل منها زوجها» بکار رفته البته علامه طباطبایی معتقد است:

« از ظاهر سیاق بر می آید که مراد از "نَفْسٍ وَاحِدَةٍ" آدم [ع] و مراد از "زوجها" حوا باشد که پدر و مادر نسل انسان است که ما نیز از آن نسل می باشیم و بطوری که از ظاهر قرآن کریم بر می آید همه افراد نوع انسان به این دو تن منتهی می شوند. [و معنای] جمله "وَ خَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا" این است که می خواهد بیان کند که همسر آدم از نوع خود آدم بود، و انسانی بود مثل خود او، و این همه افراد بی شمار از انسان، که در سطح کره زمین منتشر شده اند، همه از دو فرد انسان مثل هم و شبیه به هم منشا گرفته اند، و بنا بر این حرف "مِنْ" من نشویه خواهد بود، پس اینکه در بعضی از تفسیرها آمده که مراد از آیه مورد بحث این است که همسر آدم از بدن آدم درست شده صحیح نیست» [طباطبایی، 1417 ه.ق، ج4، ص135-136].

بنابر این اگر «من» نشویه و یا جنسیه باشد بدین معناست که زن نیز از گوهری خلق شده که مرد خلق شده و هر دو از یک نوع هستند. از سوی دیگر بر اساس آیه شریفه انسان، محور تقسیم قرار گرفته که می فرماید: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَى وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» [نحل/97] «هر کس عمل صالح کند، در حالی که مؤمن است، خواه مرد باشد یا زن، به او حیات پاکیزه می بخشیم، و پاداش آنها را به بهترین اعمالی که انجام دادند خواهیم داد» این نشان می دهد که در گفتمان قرآن، انسان، شامل زن و مرد هر دو می شود نه فقط مرد و نیز در هر دو از روح مشترک الهی دمیده شده که آیات متعددی بدان اشاره دارد [حجر/29؛ ص/72؛ سجده/9].

2. اشتراک زن و مرد در آفرینش

چگونگی آفرینش انسان بر اساس تعابیر مختلفی که در قرآن آمده است، خواه از خاک خشکیده باشد [حجر/26] یا از گِل [مؤمنون/12] و یا از نطفه [انسان/2]، شامل زن و مرد، هر دو می شود که در خلال آن به مسائلی همچون خلافت و جانشینی انسان در زمین [بقره/30]، مسجود فرشتگان واقع شدن [بقره/34؛ کهف/50؛ طه/116]، دمیده شدن روح الهی در او [حجر/29؛ ص/72؛ سجده/9] و مواردی از این قبیل، اشاره دارد؛ اگر چه در این آیات، عمدتاً موضوع حضرت آدم و چگونگی خلقت او مورد بحث واقع شده اما این ویژگی ها، به شخص حضرت آدم به عنوان این که حضرت آدم است اختصاصی ندارد؛ بلکه چنانچه شخصیتهایی نظیر علامه طباطبایی و شهید مطهری معتقدند، حضرت آدم به عنوان سمبل و نماد تمام انسانها مخاطب واقع شده [ر.ک: طباطبایی، 1417 ه.ق، ج 1، ص 116، ذیل آیه 30/ بقره] و [مطهری، بیست گفتار، ص 116؛ و نیز، مطهری، معاد، ص 620]. بر این اساس از نظر قرآن هیچ تمایزی در آفرینش زن و مرد وجود ندارد و در نحوه خلقت و نیز در امتیازاتی که برای آنها قرار داده شده، یکسانند.

3. اشتراک زن و مرد در هدف غایی آفرینش

بنا به تعبیر آیه شریفه «وَمَا خَلَقْتُ الذَّكَرَ وَالْأُنثَى إِلَّا لِيَعْبُدُونِ [ذاریات/56]» «من جن و انس را نیافریدم جز برای اینکه عبادتم کنند [و از این طریق تکامل یابند و به من نزدیک شوند]»، هدف غایی از آفرینش زن و مرد، همان رسیدن به مقام بندگی و دستیابی به سعادت ابدی است. نیل به این جایگاه، افتخاری است که زن و مرد هر دو قابلیت دست یافتن به آن را دارا می باشند؛ بدان جهت که خداوند متعال، در آنها فطرت خداشناسی به ودیعت نهاده و از سویی امکانات رسیدن به کمال را که اعم از ابزار شناخت، اراده و اختیار است؛ در وجود هر دو قرار داده تا با استفاده از آنها در سایه اراده و اختیار خود، راه کمال را بیمایند. اما از آن جا که ممکن است در این مسیر اسیر وسوسه های شیطانی شده و دچار حیرت و ضلالت گردند، راهنمایان این مسیر را که همان انبیاء و ائمه [علیهم السلام] می باشند بدانها معرفی نموده تا با تاسی جستن به ایشان و بهره گیری از دستورات آنان مسیر کمال خود را به سلامت طی نمایند. از سوی دیگر، معرفی زنان و مردان صالح در قرآن خود گویای این حقیقت است که زن و مرد هر دو شایستگی رسیدن به کمال انسانی و حتی شایستگی الگو دهی را نیز دارند. بر همین اساس هنگامی که خداوند در قرآن نمونه زنان صالحه را معرفی می نمایند، آنها را فقط الگوی زنان مؤمن، قرار نمی دهد، بلکه آنان را الگویی برای اهل ایمان، اعم از زن و مرد معرفی می نماید که نمونه آن را در سوره تحریم درباره حضرت مریم و آسیه به وضوح می توان مشاهده نمود [ر.ک: تحریم/12-

[11

با اندک دقتی در مجموع آیات مربوط به آفرینش انسان، تکالیفی که به عهده او گذاشته شده و جزا و پاداش مترتب بر انجام تکالیف و یا عدم انجام آنها، به دست می آید که از آیات مذکور به هیچ وجه نمی توان استفاده نمود زن در انسانیت متفاوت از مرد بوده و در مرتبه پایین تری قرار دارد و در واقع اگر چنین بود، نباید در قرآن کریم زن و مرد به طور یکسان مخاطب واقع شوند و تکالیف به طور مساوی برای هر دو وضع شود؛ چرا که مقتضای عدالت، وضع تکالیف یکسان در شرایط یکسان می باشد. بنابراین خطابات یکسان برای زن و مرد که با «یا ایها الذین امنوا» و یا «یا ایها الانسان» مشخص گردیده و تکالیفی یکسانی که برای هر دو وضع شده که در قالب آیات الاحکام بدان اشاره شده، همه

بیانگر این است که زن و مرد از جهت انسانیت و آفرینش در یک رتبه قرار دارند؛ اگر چه هم از جهت تکوین، و ویژگی های جسمی و روحی - روانی و هم به لحاظ تشریح و قوانین شریعت با یکدیگر تفاوتی دارند که در ادامه، ضمن برشمردن برخی تفاوتها، به علت و فلسفه آنها نیز اشاره خواهد شد. این برخلاف دیدگاههایی است که متأثر از نظریات فمینیستی، زن، از نظر اسلام در مرتبه بعد از مرد قرار گرفته و اسلام با وضع قوانین ناعادلانه و تفاوت حقوق زن و مرد، به زن ظلم نموده است [برای اطلاعات بیشتر می توانید ر. ک : زیبایی نژاد و سبحانی، 1379، ص41].

پس از بررسی اشتراکات زن و مرد، اینک به برخی تفاوتهای تکوینی آنان نیز اشاره ای خواهد شد.

تفاوتهای تکوینی زن و مرد

اگر چه برای زن و مرد تفاوتهای مختلفی در ابعاد جسمی، روانی، عقلی و تفاوت در دین باوری ذکر شده در اینجا به برخی تفاوتهای تکوینی اشاره ای می شود.

1- تفاوت زن و مرد در ادراک عاطفی و عقلانی

تفاوت زن و مرد در بُعد ادراک از جمله تفاوتهای مهم آنها با یکدیگر است که بنا به به فرموده علامه طباطبایی: «زن بالطبع دارای عاطفه و شفقت بیشتری و تعقل ضعیفتری از مرد است، و به عکس مرد بالطبع دارای عواطف کمتری و تعقل بیشتری است» [ر. ک : طباطبایی، 1417، ج4، ص343 ذیل آیه 34/نساء و ج18، ص90، ذیل آیه 18/زخرف]. بر همین اساس، درک عاطفی زنان قویتر از مردان می باشد و در سوی مقابل نیز، درک عقلانی مردان بیشتر از زنان است [ر.ک: جمشیدی و دیگران، 1385، ص128]. برای بررسی فلسفه این تفاوت، لازم است ابتدا مقدمه کوتاهی بیان شود و آن تشریح یکی از مبانی فکری اسلام در نگرش به انسان است. که همان «تناسب میان تکوین و تشریح» می باشد [ر.ک: زیبایی نژاد و سبحانی،]. بر اساس این مبنا وظایفی که از سوی شریعت بر عهده هر یک از زن و مرد، نهاده شده، ریشه در خلقت هر یک از آنان دارد. لذا قوانین موضوعه در شرع، باید مطابق با فطرت مکلف بوده و با استعداد، نیاز و توانمندی او هماهنگ باشد و از آنجا که زن موجودی سرشار از عاطفه و احساس است، وظیفه مادری و همسری به عهده او گذاشته شده که نیازمند هزینه نمودن عواطف و احساسات بسیار است و چون مرد از توان جسمی بیشتر و تعقل قویتر برخوردار است، مدیریت خانواده بر عهده او گذاشته شده؛ به عبارت دیگر، در فرایند تکثیر نسل که یکی از اهداف زوج آفرینی خداوند متعال در عالم خلقت می باشد، و مستلزم تولید و تداوم نسل است، زن بیشترین نقش را به عهده دارد؛ هم در تولید و هم در تداوم نسل؛ چرا که در جریان تولید نسل، زحمت نه ماه بارداری و مراقبت از جنین را بر دوش می کشد، و پس از تولد فرزند، نیز بیشترین نقش را در پرورش و مراقبت از او ایفا می نماید و از آنجا که در بدو تولد، با موجودی لطیف و ظریف سر و کار دارد که جز احساس، عاطفه و نیاز، چیز دیگری نمی شناسد و از تعقل و منطق برخوردار نیست، بر همین اساس لازم است خداوند حکیم، ابزار کار لازم را برای انجام این مسئولیت در اختیار زن قرار داده و پایه بروز رفتارهایی که متناسب با پرورش و رشد نوزاد است در او به ودیعه گذارد تا زن بتواند به خوبی ایفای نقش نماید. این ابزار، همان عاطفه و احساس است که خالق علیم آن را در زن به مراتب قویتر از مرد قرار داده تا بتواند رفتارهایی متناسب با نیاز نوزاد از خود بروز دهد و از سوی دیگر وظایف سنگین مدیریت خانواده را که خود شامل ابعاد مختلف از جمله تأمین معیشت، توجه به رشد و تکامل مادی و

معنوی همسر و فرزندان، تصمیم‌گیری در امور مهم بر اساس در نظر گرفتن مصلحتها، حفظ و حراست از این نهاد مقدس و...، می‌باشد، بر عهده مرد نهاده [بر اساس آیه 34/ نساء]، و مرد برای انجام این مسئولیت نیازمند ابزارهای متناسب با آن است، لذا هم نیروی بدنی بیشتری به او داده شده تا برای تأمین هزینه‌های گوناگون خانواده، توان انجام کارهای سخت و مشقت‌زا را داشته باشد و هم قدرت تعقل بیشتر تا در مسائل و موقعیت‌های مختلف و در موارد بروز مشکل، مصلحت خانواده را در نظر گرفته و با مدیریت احساسات، مصلحت خانواده را فدای عواطف و یا خواسته‌ها و تمایلات نفسانی خود ننماید و در یک کلام، در مواقع حساس و ضروری، سخن و تصمیم او بتواند فصل الخطاب قرار گیرد. پس نمی‌توان کمتر بودن عاطفه و احساس مرد نسبت به زن را به عنوان نقصی برای مرد تلقی نمود همچنانکه کمتر بودن درک عقلانی زن نسبت به مرد، به هیچ وجه عیب برای زن محسوب نمی‌شود؛ زیرا نقش‌آفرینی آنها در خانواده متفاوت از یکدیگر است. مسلماً نقش مدیریتی مرد در خانواده، می‌طلبد که از نیروی جسمی قویتر و تعقل بیشتری برخوردار بوده باشد؛ تا بدین طریق خانواده را از گزند حوادث و عوامل تضعیف این نهاد مقدس حفظ نماید و نقش مهرگستری زن در خانواده می‌طلبد که زن دارای احساسات و عواطف سرشاری بوده و با مهرگستری و عاطفه ورزی خود در خانواده، همسر و فرزندان را از زلال محبت خود سیراب نماید. و مسلماً این تفاوتها نقص برای هیچ یک از زن و مرد محسوب نمی‌شود چرا که به فرموده شهید مطهری: «تفاوت‌های زن و مرد «تناسب» است نه نقص و کمال. قانون خلقت خواسته است با این تفاوتها تناسب بیشتری میان زن و مرد - که قطعاً برای زندگی مشترک ساخته شده اند و مجرد زیستن انحراف از قانون خلقت است - به وجود آورد» [مطهری، 1376، ص161].

2 - تفاوت زن و مرد در امیال و گرایش‌ها

زن و مرد در میلها و گرایش‌ها نیز با یکدیگر متفاوتند. یکی از مصادیق بارز امیال انسانی، امیال شهوانی است که از آن با عنوان «غریزه جنسی» تعبیر می‌شود. بنابر نظر برخی نویسندگان: «از روایات اسلامی [ر. ک: کافی، ج5، ص338] این گونه استفاده می‌شود که سائق [غریزه] جنسی مرد از حیث کمی و سائق جنسی زن از حیث کیفی، برتر و قوی‌تر است. همچنین، بردباری جنسی زن بیش از مرد و تحریک‌پذیری جنسی زن و مرد نیز متفاوت است. بر پایه همین تفاوتها است که فقه اسلامی در زمینه ارضای غریزه جنسی احیاناً حقوق و تکالیف متفاوتی را برای زن و مرد قائل شده است» [بستان، 1385، ص70]. به نظر می‌رسد در اینجا نیز تفاوت زن و مرد به لحاظ تکوین، منشأ تفاوت در تشریح و تفاوت وظایف زن و شوهر در ارضاء نیاز جنسی یکدیگر است. زیرا مطالعات نشان می‌دهد، مرکز روابط جنسی در هیپوتالاموس مغز واقع شده است. هیپوتالاموس، کنترل احساسات، ضربان قلب، فشارخون و... را بر عهده دارد، این غده به اندازه یک گیللاس و دارای وزنی حدود چهار و نیم گرم است. هیپوتالاموس در مردان بزرگتر از زنان و همجنس‌گرایان و دوجنسی‌هاست. هیپوتالاموس ناحیه‌ای است که در آن هورمون‌ها به ویژه «تستوسترون» [هورمون مردانه] سبب برانگیخته شدن کشش جنسی می‌شوند و چون تستوسترون در مردان 15-20 برابر زنان است و مردان دارای هیپوتالاموس بزرگتری هستند، تمایلات جنسی بیشتری دارند. به همین دلیل مردان در هر زمان و مکان قادر به برقراری رابطه جنسی هستند. و میزان تحریک‌پذیری آنان نسبت به محرک‌های جنسی بیش از زنان است. اما غده

هیپوتالاموس زن از مرد بسیار کوچکتر بوده و میزان تستوسترون خون زن برای تحریک این غده کم است، به همین دلیل زنان نسبت به مردان تمایلات جنسی کمتری دارند. [ر.ک: پیز، آلن و باربارا، 1383، ص 268-265]. بر پایه همین تفاوت است که دین اسلام یکی از وظایف اصلی زن را «تمکین» زن در برابر شوهر قرار داده که یک بُعد آن، توجه به ارضاء نیازهای جنسی شوهر است و در این زمینه دستورات اُکیدی وارد شده است [جهت اطلاع بیشتر می توانید ر. ک : کلینی، 1365، ج 5، ص 506 و 508؛ صدوق، 1404 ه.ق، ج 3، ص 438/ حر عاملی، 1347، ج 20، ص 118].

۳- تفاوت در گرایش به دین

بسیاری از روانشناسان به این نکته تأکید دارند که زنان مذهبی تر از مردان هستند. آنها بیش از مردان در مجالس مذهبی و دینی شرکت کرده و از عهده فعالیت های دینی به خوبی بر می آیند. وجود احساسات سرشار در شاکله طبیعی زنان موجب گرایش خاص آنان نسبت به دین و عرفان و امور ماوراء الطبیعه می شود.

آلپورت می گوید: «علائق زیبایی شناسی اجتماعی و دینی اجتماعی زنها بیش تر از مردها است. مردها معمولاً به جنبه های سیاسی و تئوری علاقه دارند و زنها بیشتر به مسائل اخلاقی تمایل نشان می دهند. زنها با حرارت به بی عدالتی اعتراض می کنند و نسبت به آداب و رسوم اجتماعی تلقین پذیر ترند». [کورین هوت، 1361، ص 122؛ به نقل از گنجی، 1377، ص 183].

حضور گسترده زنان مسلمان در مجالس عزاداری اهل بیت (علیهم السلام) و نیز برپایی جشن ها و اعیاد مذهبی توسط آنان، گریه برای مصائب اهل بیت و ابراز عشق و ارادت به آنها، که دوستشان دارند از نمونه های بارز این ویژگی زنانه است. زنان از عواطف بیشتری نسبت به مردان برخوردار هستند. صحنه های احساسی و عاطفی زودتر از مردان بر آنها تأثیر می گذارد. آنها با نگاهی مادرانه به مسائل می نگرند از این رو سوز و عشق و محبت بیشتری نسبت به وقایع و جریان ها نشان می دهند. از آنجا که نمایش عاطفه در زن قوی تر از مردان است و پذیرش دین به عنوان یک نیاز عاطفی نیز مطرح می شود، ظهور و بروز حالات عاطفی در آنها بیش تر دیده می شود و گرایش های آنان به مذهب و امور اخلاقی شفاف تر به نظر می رسد [معین الاسلام و طیبی، همان، ص 115-116].

پس از بیان پاره ای از تفاوت های تکوینی و قبل از پرداختن به برخی تفاوت های تشریحی توجه به یک نکته ضروری است و آن مسئله عدالت در نظام تکوین و تشریح است.

عدالت در نظام تکوین و تشریح

بی تردید محور تقسیم وظایف زن و مرد در خانواده و جامعه بر اساس تفاوت های تکوینی آنها با یکدیگر است که خداوند در متن خلقت هر یک از آنها قرار داده، و این تفاوتها در حوزه تفاوت های زیستی و روحی - روانی قابل بررسی است. قادر متعال بر اساس این تفاوتها، در وجود هر یک از آنها استعدادها، علائق و نگرش های خاص همان جنس را قرار داده؛ همین تفاوت در تکوین و طبیعت آنهاست که زیربنای تفاوت های تشریحی و تقسیم وظایف را تشکیل می دهد. بی شک این تقسیم وظایف از سوی کسی صورت می گیرد که نظام هستی را بر پایه حق محوری و عدالت آفریده و چون به تمام زوایای وجودی هر یک از زن و مرد احاطه کامل دارد، بر همین اساس متناسب با توان و ظرفیت هر یک از این دو جنس بر عهده آنها مسئولیت ها و وظایفی قرار داده و هماهنگ با آن وظایف، ابزار کار لازم را نیز در اختیار آنها گذاشته، تا با انجام درست این وظایف در زندگی مشترک، زمینه تفاهم و همدلی هر چه بیشتر آنها و تعالی جامعه فراهم شود. توجه به این تفاوتها، انگیزه بیشتری در هر یک از زن و مرد در جهت انجام هر چه بهتر وظیفه به وجود می آورد. بنا به نقل برخی نویسندگان: «برخی تفاوت های تکوینی بین زن و مرد وجود دارد. به این معنا که هر یک، از استعدادها و روحیه های متناسب با مسئولیتی که نظام آفرینش بر عهده او گذاشته برخوردار است. نقش هایی که طبیعت بر عهده زن و

مرد گذاشته، متفاوت است و الزاما باید ابزار جسمی - روانی ایفای این نقش ها را در اختیار آنان قرار دهد؛ امری که در طبیعت جریان دارد. این تفاوتها در آفرینش به منظور دست یابی به اهدافی خاص پی ریزی شده و هرگز بیهوده نیست. نادیده انگاشتن این تفاوتها در واقع نادیده گرفتن برخی از نیازها و استعدادهای طبیعی انسان ها و ظلم به آنان است. از آن جا که وضع قانون برای تأمین به حق نیازمندی ها و آماده ساختن عرصه حیات برای رشد و بالندگی استعداد انسان ها و احقاق حقوق آنان است؛ می بایست آن تفاوت ها در وضع قانون، بیان حقوق ووظایف که نتیجه قانون گذاری است، انعکاس یابد و در نتیجه حقوق و وظایفی هماهنگ و متناسب با نقش های طبیعی برای هر کدام وضع گردد تا آنان را در ایفای نقش های طبیعی یاری دهد. چیزی که در قانون گذاری اسلامی تجلی یافته و موجب تفاوتهای بین حقوق و وظایف زن و مرد شده است» (جمشیدی و دیگران، 1385، ص 241).

تفسیر نمونه ذیل آیه شریفه: «أَمْ هُمْ يَقْسِمُونَ رَحْمَتَ رَبِّكَ نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سَخِرِيًّا» (زخرف /32).

می نویسد: «اگر همه انسانها از نظر هوش، و استعداد روحی و جسمی، یکسان باشند هرگز نظامات اجتماعی سامان نمی یابد، همانگونه که اگر سلولهای تن انسان از نظر ساختمان و ظرافت و مقاومت همه شبیه هم بودند نظام جسم انسان مختل می شد، سلولهای بسیار محکم استخوان پاشنه پا کجا و سلولهای ظریف شبکه چشم کجا؟، هر کدام از این دو ماموریتی دارند که بر طبق آن ساخته شده اند. هر گروهی (از انسانها) امکانات و استعدادها و آمادگیهای خاصی دارند که در يك رشته از مسائل زندگی می توانند فعالیت کنند و اگر گفته شود جمله " رَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ" دلیل بر عدم عدالت اجتماعی است، می گوئیم این در صورتی است که " عدالت" به معنی " مساوات" تفسیر شود، در حالی که حقیقت عدالت آن است که هر چیز در يك سازمان در جای خود قرار گیرد، ممکن است افرادی در مقام شعار، کلمه " مساوات" را بدون توجه به مفهوم واقعی آن در همه جا به کار برند، ولی در عمل هرگز نظم، بدون تفاوتها امکان پذیر نیست» (مکارم شیرازی، 1374، ج 21، ص 52).

بررسی آیه ضرب

یکی از آیاتی که در این زمینه قابل بحث و تامل است آیه سی و چهارم سوره نساء می باشد. خداوند در این آیه می فرماید: "الرجال قوامون على النساء بما فضل الله بعضهم على بعض و بما انفقوا من اموالهم، فالصالحات قانتات حافظات للغيب بما حفظ الله والاتي تخافون نشوزهن فعظوهن واهجروهن في المضاجع والضربوهن، فان اطعنكم فلا تبغوا عليهن سبيلا، ان الله كان عليما كبيرا".

مردان سرپرست زنان هستند به دلیل آنکه خدا برخی از ایشان را بر برخی برتری داده و به دلیل آنکه از اموالشان خرج می کنند. پس زنان درستکار فرمانبردارند و به پاس آنچه خدا (برای آنان) حفظ کرده اسرار (شوهران خود) را حفظ می کنند. و زنانی را که از نافرمانی آنان بیم دارید (نخست) پندشان دهید و (بعد) در خوابگاه ها از ایشان دوری کنید (اگر تاثیر نکرد) آنان را بزنید، پس اگر شما را اطاعت کردند (دیگر) بر آنها هیچ راهی برای سرزنش مجوید که خدای والای بزرگ است.

این ایه در ابتدای به حق سرپرستی مرد و قومیت او پرداخته و با توجه به دو ویژگی «بما انفقوا» و «بما فضل الله» او را شایسته داشتن چنین حقی شمرده است. از انجایی که حق و تکلیف همواره در کنار هم هستند و دارنده حق، دارنده تکلیف و مسئولیت در همان حوزه می باشد؛ در این ایه نیز، مردان به دلیل وجود این دو ویژگی، صلاحیت عهده دار شدن این وظیفه را پیدا میکنند؛ علامه طباطبایی در المیزان، عقل و توانایی بدنی را فضل خدا می شمارد (تفسیر المیزان، ج ۴ ص ۵۴۳). اما برخی دیگر همچون سید محمد حسین فضل الله آن را به جنبه عاطفی و قدرت بدنی تفسیر نموده اند. (دنیا المراه، ج ۳، ص ۱۶۰). طبق هر دو تفسیر این تفاوت مردان با زنان در بعد تکوین است. بر این اساس در راستای انجام این تکلیف و مسئولیت دارنده یکسری حقوق و اختیارات نیز هستند. خداوند در ادامه ایه به یکی از این اختیارات مرد اشاره کرده و در جهت حل مشکل نشوز زن، وی را مجاز به انجام سه راهکار دانسته است. اگر مردی می ترسد که همسرش در امر زناشویی مطیع و فرمانبردار او نباشد و عنوان ناشزه پیدا کند، مجاز است با سه راهکار پیشگیری کند. البته از بسیاری از تفاسیر بدست می آید که این سه راهکار ترتیبی بوده و با ناامیدی از تاثیر گذاری هر کدام، نوبت به راهکار بعدی می رسد. [فضل بن حسن طبرسی، ج ۱، ص ۳۹۶؛ علی بن ابراهیم قمی، ج ۱، ص ۱۷۲]

در مراحل نشوز، مرد ابتدا موعظه کرده اگر در این مرحله مشکل نشوز حل نشد مجاز است در مرحله بعد در بستر پشت کند و در مرحله بعد، اجازه زدن دارد. درباره کیفیت و کمیت زدن، همه مفسران و فقیهان بر این مطلب توافق و تأکید دارند که زدن باید «غیرمیرح» باشد؛ یعنی آسیب و آزار جسمی نداشته باشد. بر این اساس از زدن در مواضع حساس مثل صورت، چشم پرهیز شود. تفسیر مجمع البیان طبرسی به نقل از تفسیر کلبی از ابن عباس نقل کرده که: «زن را به کتاب خدا موعظه کنید و به او بگویید که از خدا بترسد و از شما اطاعت کند اگر قبول نکرد با او درشتی کنید وگرنه طوری او را بزنید که بدنش زخم نشود و استخوانش شکسته نشود از امام باقر نقل شده که منظور زدن با مسواک است [طبرسی 1 ج 5]. همچنین وی در تفسیر جوامع الجامع نیز به این شرایط اشاره نموده است. [طبرسی 2 ج 1 ص 592]. همچنین کتب دیگر همچون کنز العرفان فی فقه القرآن در تبیین و تفسیر این ایه این شرایط را بیان نموده است. (السیوری، جمال الدین مقداد بن عبدالله، ص ۵۳۷). صاحب تفسیر اطيّب البیان فی تفسیر القرآن در تبیین «اضربوهن» می نویسد: «نه ضرب مؤلم مثل زنجیر یا چوب یا ضرب شدید بلکه ضرب ملایم همین اندازه که تخویف و تخفیف و توهین گردد.» [طیب ج 4: 74].

با بررسی روایات نیز روشن می شود که منظور زدن است که باعث جراحت و کبودی نشود و برخی از روایات به چوب مسواک اشاره شده است. با استناد به برخی آیات و روایات باب نشوز و دیات و قصاص، مرد حق زدن همراه با خشونت که آثار فیزیکی بر بدن همسر خود باقی نگذارد ندارد. در صورتی که چنین کاری را انجام دهد، زن حق شکایت و حتی می تواند درخواست قصاص یا اخذ دیه داشته باشد.

این زدن همراه با لحاظ تمام شرایط و محدود به زمان نشوز است. [موسوی خمینی، ج ۲، ص ۲۹۰] چنانکه خداوند در ادامه ایه می فرماید: «فإن اطعنكم فلاتبغوا علیهن سبیلاً» که نشان می دهد اگر در همین مرحله زن اطاعت کرد، این حق برای مرد ساقط می شود.

توجه به این حق با وجود محدودیت ها و شرایطی که از سوی خداوند برای ان قرار داده شده بیانگر ان است که این حق برای مدت بسیار محدود و تنها برای حل مشکل به مرد داده شده است. زدن با رعایت این شرایط تنها به عنوان یک ابزار برای ابراز نارضایتی مرد از رفتار همسرش نمود پیدا می کند. از انجایی که این تنبیه در حریم خصوصی همسران صورت گرفته هیچگونه توهین و هتک حرمتی و نقض شخصیتی را بدنبال ندارد. بنابراین با توجه به اینکه می تواند مصالح گسترده تری را برای خود زن، خانواده و فرزندان و حتی جامعه داشته باشد به عنوان یک امر استعلاجی کوتاه مدت و تنها برای برخی زنان جایز شمرده شده است.

از سوی دیگر باید توجه داشت که وظیفه کلی و اصلی مرد نسبت به همسرش رفتار و برخورد نیکو و مناسب است خداوند به این امر اشاره کرده و خطاب به مردان می فرماید: "و عاشروهن بالمعروف". وظیفه اصلی کلی مرد در مقابل خانواده بویژه همسرش معاشرت و برخورد نیکو می باشد.

همچنین در روایات متعددی سفارش به نیکی با همسران شده تا جایی که پیامبر "ص" به پاداش عظیم این عمل اشاره کرده و می فرماید: "آن کس که بر سوء خلق همسرش صبر کند و به حساب خدا بگذارد برای او در هر بار صبر، پاداشی همانند پاداشی است که خداوند به حضرت ایوب در گرفتاری و بلایش داده است و ... [علامه مجلسی ج 103].

بر این اساس برخی از مفسرین زدن را تنها یک امر جایز دانسته ان هیچ مطلوبیتی اعم از وجوب یا استحباب برای ان در نظر نگرفته اند. سیده نصرت امین، بانوی اصفهانی، ص ۳۴؛ محمد جواد مغنیه، (ص ۲۱۷) تفسیر کبیر در تبیین ایه به نقل از شافعی می نویسد: "والضرب مباح و ترکه افضل". [ابو عبدالله محمد بن عمر فخرالدین رازی، ج ۱۰، ص ۸۹]

بر این اساس وظیفه اصلی مرد نسبت به همسرش در همه جا و همه شرایط می داند معاشرت خوب و رفتار نیکو بوده و تنها در موارد خاص و به صورت استعلاجی اجازه برای اجرای راهکار های درمانی دارد.

نکته قابل توجه دیگری که باید لحاظ شود تقابل گزاره های اخلاقی با گزاره های فقهی و حقوقی است. بر این اساس گاهی فرد از جهت حقوقی دارنده حقی است که این حق با یک گزاره و وظیفه اخلاقی تعارض داشت؛ توجه به آثار وجودی و تکاملی اخلاق، انسان را به سمت رعایت وظیفه اخلاقی و ایثار و گذشت نسبت به حق حقوقی اش می کند. حکم حقوقی مرد، جواز زدن همسرش برای بازدارندگی او از نشوز است، اما مرد میتواند از این حق چشم پوشی کرده و فضای صمیمیتی تری بین خود و همسرش ایجاد کند. با استناد به روایات بدست می آید که در کنار جواز اجرای این حکم فقهی و حقوقی، حکم اخلاقی او این است که از اختیارات و حقوق خود استفاده نکرده و به وظیفه اخلاقی خود عمل کند و این بسیار نیکو تر است. حکم اخلاقی مدار کردن با همسر و گذشت و ایثار در مواجهه با خطاهای او می باشد. باید توجه داشت که رعایت حکم اخلاقی به معنای از بین رفتن حقوق نیست. بلکه اخلاق تضمینی برای آرامش خانواده ها و حفظ حقوق افراد می باشد.

در جمع بندی نهایی می توان گفت در نظام احسن، علیرغم اشتراک زن و مرد در انسانیت و هدف گذاری آفرینش، تفاوت های متعددی در تکوین آنها به ودیعت نهاد تا در سایه این تفاوتها جذب و انجذاب بین آنها صورت گیرد و سبب تشکیل نظام خانوادگی شده که سنگ اساسی بنای تمدن بشری و اصل همه خیرها و خوبی ها می باشد تا مایه آرامش یکدیگر و پوششی زیبا و محافظ برای یکدیگر باشند؛ بر اساس وجود همین تفاوتهاست که آنها را بیشتر به یکدیگر جذب کرده، عاشق و خواهان یکدیگر قرار می دهد. از سوی دیگر، وجود همین تفاوت های تکوینی است که منشأ تفاوت های تشریحی و احکام زن و مرد بر اساس عدالت الهی وضع شده است.

یکی از تفاوت ها ی موجود، تمایلات جنسی و میزان شدت و ضعف آن بین زن و مرد است. همچنین وجود این روحیه در زن که مایل هست همواره مورد خواست و مطلوب همسرش قرار بگیرد. مرد وظیفه دارد این نیاز تکوینی همسرش را همراه با عشق و محبت تامین کند و حتی زمانی که زن خود را از همسرش دور می کند مرد از او جدا نشود. در موارد نشوز زن نیز، مرد این علاقه و نیاز روانی و جسمی خودش به همسرش را به اعلان کرده و به آگاهی دهد که او تنها مطلوب و محبوب همسرش هست. در برخی موارد نیز مرد مجاز است با ابراز اعتراض و کمی تندى به او بفهماند که محبوبش و کسی که قادر به تامین نیاز های روحی و جسمی اوست، فقط همسرش می باشد. بنابراین ایه سی چهار سوره نساء برای حل مشکلی که به دلیل این تفاوت پدید می آید، اختیاراتی را بصورت محدود برای مرد قرار می دهد. البته این حق زمانی وجود دارد که مرد وظیفه قوامیت و سرپرستی خود را کامل بجا آورده باشد و زن از مدار صلاح خارج شده باشد و اصطلاحاً ناشزه شده باشد؛ در غیر این صورت این حق برای مرد وجود ندارد.

بر این اساس زدن آرام و بدون هر گونه خشونت و توهین که تنها بیان نارضایتی مرد از وضع نامطوب موجود است، نه تنها حقوق زن را زیر پا نمی نهد بلکه گامی است در جهت احقاق حقوق زن و عاملی مهم در حفظ نظام خانواده در برابر خطر فروپاشی و طلاق و پیشگیری سرگردانی فرزندان می باشد. در اینجا ضرب و مضروب باید به گونه ای باشند که تحمل ضرب و ادامه زندگی بهتر از جدایی و طلاق باشد و نه به گونه ای که مصلحت جدا شدن، از تحمل چنین ضربی بیشتر باشد و این همان ضرب غیرمباح است که در روایات آمده بود.

همچنین از منظر بیشتر افراد بویژه زنان، حل شدن مشکل و اختلاف مربوط به خانواده در همان محیط خانواده که خصوصی ترین روابط را شامل می شود و سرپوش نهادن بر آن حتی با تنبیه مختصر بدنی، مطلوبتر از افشا شدن مشکل و میانجی گری خانواده ها و باخبر شدن دیگران یا حکم حاکم و دستگاه قضایی می باشد، و چه بسا زنان، این گزینه را بر طلاق یا ازدواج مجدد ترجیح می دهد.

منابع

- قرآن کریم

مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، موسسه الوفاء، ۱۴۰۲ ق، ۱۹۸۳

- بستان، حسین، اسلام و تفاوت های جنسیتی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۷.

-----، اسلام و جامعه شناسی خانواده، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۵.

- پیز، آلن و بارابارا، آنچه زنان و مردان نمی‌دانند، ترجمه زهرا افتخاری، تهران، نسل نواندیش،

1383

- جمشیدی و دیگران، اسد الله، جستاری در هستی‌شناسی زن، قم، مرکز انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، 1385.

- جوادی آملی، عبدالله، زن در آینه جلال و جمال، تنظیم و ویرایش محمود لطیفی، قم، اسراء، 1378.
- حر عاملی، محمد بن الحسن، وسائل الشیعه، قم، ال البيت الاحیاء التراث، 1347.

- حسینی، سید حسین، سراج، نگاهی گذرا به شبهات حقوقی پیرامون مسائل زنان، بی جا، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، 1380.

- خمینی، روح الله، تحریر الوسیله، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، 1387.

- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، زیر نظر محمد معین و سیدجعفر شهیدی، تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، 1377.

الرازی، محمد فخر الدین، تفسیر الکبیر، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۰ ق
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، دمشق و بیروت، دارالعلم و الدار الشامیة، 1412 ه.ق.

- رستمی تبریزی، لعیا، «رژیم مالی خانواده در حقوق ایران و انگلستان»، کتاب زنان، شماره 31، سال هشتم، بهار 1385.

- زیبایی نژاد و سبحانی، محمدرضا و محمدتقی، درآمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام، قم، دارالنور، 1381.

السیوری، جمال الدین مقداد بن عبدالله، کنز العرفان فی فقه القرآن، تهران، مکتبه المرتضویه، ۱۳۴۳
- صدوق، محمد بن علی بن الحسین بابویه قمی، من لا یحضره الفقیه، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، 1404 ه.ق.

طبرسی، فضل بن حسن، جوامع الجامع فی تفسیر القرآن، بیروت، دارالضواء، چاپ اول، ۱۴۰۵
طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دارالمعرفه، چاپ دوم، ۱۴۰۸ ق
- طباطبایی، محمدحسین، زن در قرآن، قم، هاجر، 1387.
- طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، 1417 ه.ق.

طیب، سید عبدالحسین، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات اسلام، چاپ دوم، ۱۳۷۸
- علاسوند، فریبا، زنان در موازنه حق و تکلیف، تهران، بیطرفان، 1385.
فضل الله، سید محمد حسین، دنیا المراه، بیروت، دار الملائک، چاپ پنجم
القرطبی، محمد بن احمد، الجامع لاحکام القرآن، تهران، انتشارات ناصر خسرو، چاپ اول، ۱۳۶۴
قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، قم، دارالکتابه، چاپ چهاردهم، ۱۳۶۷
- کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، 1365.

- گنجی، حمزه، روانشناسی تفاوت‌های فردی، تهران، بعثت، 1377.
- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، موسسه الوفاء، ۱۴۰۲ ق، ۱۹۸۳
- مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1360.
- مطهری، مرتضی، نظام حقوق زن در اسلام، تهران، صدرا، 1376.
- معین الاسلام و طیبی، مریم و ناهید، روانشناسی زن در نهج البلاغه، قم، عطر سعادت، 1380.
- مغنیه، محمد جواد مغنیه، تفسیر الکاشف، تهران، دار الکتب الاسلامیه، چاپ اول، ۱۴۲۴ ق
- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، 1374،